

نگاهی دوباره به انتظار (۱)

● مجید حیدری نیک

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است؟
 گفتا: تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است
 گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟
 گفتا: نشان چه پرسی، آن کوی بی نشان است

راستی! انتظار چیست؟ چرا این قدر به آن سفارش و پیرامونش گفت و گو شده است؟ تو پیام انتظار را نه تنها از لابلای امواج بلند کلام مهریان رسول ﷺ و نسیم رسای سخنان بی همتای علی ﷺ - که پدران امّت لقب گرفته‌اند^۱ - می‌شنوی، بلکه صدای هر یک از معصومین ﷺ ضمیر هشیار تو را با ضرورت و اهمیّت آن آشنا می‌کند.

زمانی می‌توانیم معنای انتظار و حقیقت آن را درک کنیم که بدانیم و لمس کنیم امام زمان(عج) را برای چه می‌خواهیم قبل از این‌که معرفت به مهدی موعود پیدا کنیم، یک پیش فرض لازم و ضروری است و آن این است که او را برای چه می‌خواهیم و اصلاً چه ضرورتی به وجود او می‌باشد. در واقع تا نسبت به این مسأله تشنیه نشویم، به حقایق آن دسترسی نخواهیم داشت. مادامی که این عطش انتظار و این احساس نیاز و به تعبیر زیبای معصومین، ﷺ اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر (عج) شکل نگیرد، به دنبال حضرتش نخواهیم رفت و در انتظار ظهورش

حرکتی نخواهیم داشت که:

آب کم جو، تشنگی آور به دست
از این رو مناسب است نگاهی دوباره به مقوله انتظار داشته باشیم. ما در این
بازخوانی مروری خواهیم داشت بر عناوین زیر:

- ۱- حقیقت انتظار
- ۲- ضرورت انتظار
- ۳- ابعاد انتظار
- ۴- ریشه‌های انتظار
- ۵- آداب انتظار
- ۶- آثار انتظار
- ۷- پایان انتظار

۱- حقیقت انتظار

اگر مفاهیم صحیح واقعی واژه‌ها درک شود، اشتباہات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده‌ای پیش آمده یا می‌آید، مرتفع و اهداف واقعی مکتب، روش می‌شود. از جمله مفاهیمی که برداشت‌های مختلفی از آن شده، انتظار ظهور و فرج مهدی موعود (عج) است. به همین خاطر شایسته است با کمی تأمل و درنگ، در این زمینه، کنکاشی داشته باشیم. انتظار از نظر ریشه‌ی لغوی،^۲ به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده، تعبیر شده است. آن چه با مراجعه به کتب لغوی معلوم می‌شود، این است که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است. اما از این معنا می‌توان دونوع برداشت کرد. یکی این‌که، این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به عزلت و اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت فعلی را تحمل کند و به امید آینده‌ی مطلوب، فقط انتظار بکشد.

برداشت دیگر، این است که این چشم به راهی و انتظار باعث حرکت، پویایی و اقدام و عامل عمل و آمادگی وسیع ترگردد. اینک سؤال این است که کدام یک از این

دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟ با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که مخصوص مین علیہ السلام خیلی روشن و صریح با ازایه‌ی تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت اول، خط بطلان کشیده و برای این‌که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، به قسمت مهم و اساسی مفهوم انتظار اشاره کرده‌اند که انتظار، عمل است، آن هم افضل و بزرگ‌ترین اعمال^۳ یا عبادت است، آن هم محبوب‌ترین عبادت و عمل.^۴ اساساً این یک قاعده‌ی عقلی و منطقی است؛ آن‌کس که وضعیت موجود را نمی‌پذیرد و تحمل نمی‌کند، در انتظارگشایش است: من انتظر امراً تهیأ له.^۵ بنابراین، بعضی که انتظار را خاموشی و گوش‌گیری و اعتزال و مذهب احتراز^۶ معرفی کرده‌اند و بدین وسیله، آن را مورد هجوم قرار داده‌اند، به خط رفته‌اند؛ چون حقیقت انتظار را درک نکرده‌اند و تیری در تاریکی انداخته‌اند. کما این‌که آن‌ها که انتظار را مذهب اعتراض^۷ معرفی کرده‌اند، آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی علیه السلام آغاز شد، به بی‌راهه رفته‌اند. در برابر این نگاه، دو پرسش مطرح است. اول این‌که، دامنه‌ی این اعتراض تا کجاست؟ تا رفاه، تا عدالت، تا عرفان، تا آزادی، تا شکوفایی و تکامل و یا.... دوم این‌که، پی‌آمد این اعتراض، چیست؟ چه باری بر دوش منظر می‌گذارد و این نفی با چه اثباتی همراه می‌شود؟ در مورد پرسش اول باید بگوییم که آرمان‌های دینی از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی، بالاتر است؛ چون زمانی که انسان به تکامل هم برسد، باز مسئله این است که می‌خواهد در چه جهتی مصرف شود؟ رشد یا خُسر؟ این دو مسئله‌ی اساسی بعد از تکامل و شکوفایی است. پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

الناس معادن کمعدن الذهب و الفضة.^۸

مردم معدن هستند مثل معدن طلا و نقره.

استفاده از معادن، سه مرحله دارد: اول، کشف؛ دوم، استخراج؛ سوم، شکل دادن. تا این‌جا مرحله‌ی کمال و شکوفایی است، اما این آهن شکل گرفته که مثلاً به شکل اتومبیل درمی‌آید، جهت می‌خواهد. پس مرحله‌ی چهارم، جهت یابی این معدن، این انسان است. جهت به سوی کیست؟ به سوی پایین‌تر از خود و رضایت به زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟^۹ این تنزل است. انسان با کم‌ترین مقایسه

در می‌یابد که از حیوانات بالاتر است. در نتیجه، هدفی برتر می‌یابد؛ حرکت به سوی بالاتر از خودمان. این تحرک است، رشد است. بالاتر از من کیست؟ لابد آفریننده‌ی انسان که حاکم و خالق هستی است.^۹ و امامت، هدایت‌گر این حرکت و سیر صعودی است که بعد از مقام رسالت، به این مهم می‌پردازد و اکنون عَلَم این حرکت را باید در دستان پرمه‌ر مهدی موعود عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ جست و جو کرد.

در مورد پرسش دوم هم باید گفت منتظر مهدی، آماده است و برای سلطان و سلط مهدی عَلَيْهِ زمینه‌سازی می‌کند، چنان‌چه در حدیث آمده است: و يو طئون للمهدي سلطانه.^{۱۰}

اهمیت این آمادگی و زمینه سازی را در پیام صادقانه‌ی امام صادق عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ می‌توان جست و جو کرد که در آن، به حداقل آمادگی، اشاره شده است: لَيُعَذَّنْ أَحَدُكُمْ لِخُروجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجُوتَ لَانِ يَنْسِى فِي عُمْرِهِ حَتَّىٰ يَدْرِكَهُ وَيَكُونَ مِنَ الْأَعْوَانِ وَالْأَصْارِ.^{۱۱}

باید هر کدام از شما برای خروج قائم، آمادگی پیدا کند، اگرچه با تهیه کردن یک تیر باشد؛ چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی عَلَيْهِ اسلحه تهیه کرده است، امید است که عمر او را دراز کند، تا ظهور او را درک کند و از یاوران مهدی عَلَيْهِ باشد.

از طرفی مهم‌ترین لقب پیشوای منتظر، «قائم» است که برای احترام هنگام شنیدن آن، قیام لازم است، لیکن حکمت اجتماعی این احترام نیز ما را به معنای حقیقی انتظار رهنمون می‌سازد و در واقع، انسان منتظر با این حرکت خود می‌خواهد نشان دهد که در حال آمادگی برای قیام و مبارزه و جهاد است.^{۱۲} بعضی به اشتباه فکر می‌کنند که همه‌ی کارها خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی درست می‌شود. در حالی که هیچ‌گاه بنای عالم بر این استوار نبوده که کارها خود به خود درست شود و بدون هیچ رنجی و جهادی، مشکلات بشریت حل شود. جملات حکیمانه‌ی امام باقر عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ در این مورد، جالب توجه است:

...قلت لابی جعفر عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ: انهم يقولون: ان المهدى لو قام، لاستقامت له الامور عفوأ و لا يهريق محجة دم، فقال: كلا، و الذى نفسى بيده، لو استقامت لاحى عفوأ لاستقامت لرسول الله عَلَيْهِ الْبَشَارَةُ حين أدميت رباعيته و

شیخ فی وجہه کلاً و الذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و انتم العرق و

العلق. ثم مسح بجبهته.^{۱۳}

... به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند چون
مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه‌ی یک
حجامت، خون نمی‌ریزد. فرمود:

هرگز چنین نیست. به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار
برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر ﷺ درست می‌شد،
هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که
کار خود به خود درست شود. به خدای جان آفرین سوگند! کار درست
نخواهد شد تا این‌که ما و شما در عرق و خون غرق شویم». آنگاه به
پیشانی خود دست کشید.

اینک با توجه به معنای لغوی و روایات پیرامون انتظار و اقوال و انتظار در این زمینه، می‌توان گفت که انتظار نه احتراز است و گوشه نشینی و نه اعتراض و نفی طاغوت‌ها. در واقع، این‌ها حالت روحی و روانی محض هستند، بلکه انتظار، عمل و اقدام است. پویایی و حرکت است. به همین خاطر در لسان روایات، انتظار بهترین و محبوب‌ترین عمل معرفی شده است.^{۱۴} حقیقت انتظار بسیار بالاتر از این محدوده‌هاست. انتظار جنبه‌ی اثباتی دارد؛ یعنی آمادگی و اقدام. منتظر فرزند محبوب و دلدار عزیز، اقدام می‌نماید و در خود و در محیط اطراف، نشان و اثر می‌گذارد. منتظر مهدی و قائم آل محمد علیهم السلام چگونه می‌تواند آماده نشود و زمینه سازی نکند. در حالی که به شمشیر زدن در رکاب پیامبر ﷺ بر فرق دشمن^{۱۵} تشبيه شده، اساساً انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی به آن‌که در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود، هیچ‌گاه بهترین عمل نخواهد بود و این معانی، حاکی از حضور در صحنه و فعالیت‌های علمی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است نه نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی. پس انتظار به معنی آینده نگری، دگرگونی است و این دگرگونی به زمینه سازی، احتیاج دارد.

۲- ضرورت انتظار

عقیده به ظهور مصلح و آمادگی برای یک انقلاب جهانی، آنقدر حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار را استراتژی مهم این برهه‌ی تاریخی دانسته و حکم و دستور به آن در دوران غیبت داده‌اند.^{۱۶} اهمیت و ضرورت دوره‌ی انتظار را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد:

الف - توجه به معنا و حقیقت انتظار، دریچه‌ای است برای رسیدن به این مهم. همان‌طوری که قبلاً به طور کامل بحث شد، انتظار یک دوره‌ی آماده‌سازی و زمینه سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت سر نگذاشته باشد ابتر و ناقص و بی‌ثمر خواهد بود. ماکسانی را می‌بینیم که به پا ایستاده‌اند و راه افتاده‌اند، ولی دوره انتظاری نداشته‌اند. گویا چیزی نمی‌خواسته‌اند و تنها بر اساس جوّ محیط و جریان حاکم به رفتن و ادار شده بودند. این‌ها بدون انتظار و بدون آماده باش در گام‌های اول گرفتار شده‌اند و به خودخوری و فرار از خویشتن رسیده‌اند و آخر سردر زیر فشار ابهام‌ها و اشکال‌ها، در مرحله فکر و اعتقاد، در مرحله‌ی ظرفیت و تحمل، در مرحله‌ی طرح ریزی و در مرحله‌ی عمل، از کمبود امکانات گرفته تا نیازهای اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی و حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، در زیربار این فشارها و ابهام‌ها، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده‌اند. طبیعی است آن‌ها که عمل زده بودند، بعدها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناه‌گاهی بگردند. که باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

این خاصیت انتظار است که تو را واذار می‌کند تا کمبودها را حدس بزنی و برای تأمینش بکوشی و این خاصیت انتظار است که تو را به آمادگی و حضوری می‌رساند که ما نعم‌ها را بشناسی و برای رفع شان، برنامه بربیزی. آن‌جا که آدم می‌بیند آدم‌هایی استخوان‌دار پس از سال‌ها تحصیل چگونه سر در گم هستند و نمی‌دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده و سر در لاک شده‌اند با پرسش رو به رو می‌شود علت انزوا و خستگی این‌ها همان نداشتن دوره‌ی انتظار است. این‌ها ندیده آمده‌اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، متحیر و سرگردان شوند یا این‌که تجدید نظر دوباره

داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

ب - از طرفی، ضرورت و اهمیت دوره انتظار را می‌توان از لابه‌لای صفحات تاریخ نیز به دست آورد.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ و شهادت امیرالمؤمنین علیہ السلام و سیدالشهداء علیہ السلام تابه امروز، ریشه تمام حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه‌ی اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه‌ی مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آنجاکه یکی از معیارهای پذیرش اعمال معرفی شده است.^{۱۷} از مهم‌ترین رازهای نهفته‌ی بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش و کوشش و جنبش وامی دارد و مانع از نومیدی و بی‌تابی و افسردگی و درماندگی او می‌گردد. این تأثیر آنقدر ملموس و کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی^{۱۸} نیز از آن گفت و گو کرده‌اند.

«هانری کربن»؛ اسلام شناس شهیر فرانسوی می‌گوید:

...مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست‌های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است... معنای این امر به عقیده‌ی این جانب، چشم‌های بی‌نهایت و ابدی از معانی و حقایق است... معنویت اسلام تنها با تشیع، امکان حیات و دوام و تقویت دارد و این معنا در برابر هرگونه تحول و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند، استقامت خواهد کرد. امام زمان، مفهوم اعلائی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است. این جانب، مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو و بکر، احساس و درک می‌کنم و چنین به تفکر و دلم الهام می‌شود که رابطه‌ی حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته

می‌دانم.^{۱۹}

«جیمز دار مستر»؛ شرق شناس معروف فرانسوی در این باره می‌گوید:

در حله که نزدیک بغداد است همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر

سوار با شمشیر برهنه می‌رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ
می‌ستاندند و... فریاد می‌زدند که: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را
به خدا بیرون بیا.

وی در جایی می‌گوید:

قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می‌توان کشتار کرد،
اما مطیع نمی‌توان ساخت.^{۲۰}

ج - در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آنرا مانع تسلط خود بر
مسلمانان برشمرده‌اند: «میشل فوکو، کلر بریر، در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری:
ابتدا امام حسین علیه السلام و بعد امام زمان (عج) را مطرح می‌کنند و دو نکته را عامل
پایداری شیعه معرفی می‌کنند. نگاه سرخ و نگاه سبز در کنفرانس «تل آویو» هم
افرادی مثل برنارد لوییس، مایکل ام جی. جنسر، برونبگ و مارتین کرامر براین
بحث خیلی تکیه می‌کنند. آنها در تحلیل انقلاب اسلامی، به «نگاه سرخ» شیعیان،
یعنی عاشورا و «نگاه سبز» شان یعنی انتظار می‌رسند. جمله‌ی مشهوری دارند که
«این‌ها به اسم امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان (عج)، قیام شان را حفظ
می‌کنند.»^{۲۱} دشمن به اهمیت مدیریت شیعه آن‌هم زمانی که رهبر آن غایب و از
نظرها پنهان است، پی برده‌اند و به همین منظور اقداماتی در این رابطه انجام داده‌اند
و سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه‌ی مقدس طراحی
کرده و متناوباً به اجرا گذارده‌اند.

از آن جمله، دخالت مستقیم و حمایت از پروسه‌ی «شخصیت پردازی و مهدی
تراشی»، تخریب پایه‌ی فکری «مهدی باوری» از طریق ژست‌های علمی و به ظاهر
شرق‌شناسی، پرورش و حمایت از سرسپرده‌های داخلی مانند احمد کسروی،
شریعت سنگلچی، سلمان رشدی و اخیراً احمد الکاتب، انتشار تبلیغات مسیح
رسانه‌ای، امپراتوری اهریمنی رسانه‌های استکباری و بمباران تبلیغاتی
توب‌خانه‌های صوتی و تصویری ژورنالیستی نظام سلطه، یکی از قوی‌ترین ابزارهای
کودتای فکری و شست‌وشوی مغزی توده‌هast.

در واپسین دهه‌های قرن بیستم، هجومی از این نوع را علیه ایده‌ی «ظهور مهدی

موعود» شاهد بودیم. در سال ۱۹۸۲ میلادی، سریالی با نام «نوستر آداموس» به مدت سه ماه متوالی از شبکه‌ی تلویزیونی آمریکا پخش شد. این فیلم سرگذشت ستاره شناس و پژوهش فرانسوی به نام «میشل نوستر آداموس» بود که نزدیک به ۵۰۰ سال قبل می‌زیسته است. این سریال، پیشگویی‌های وی را درباره‌ی آینده‌ی جهان به تصویر کشیده بود که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌گویی وی درباره‌ی ظهور نواده‌ی پیامبر اسلام در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود.^{۲۲}

هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن، بی‌رحم، ویران‌گر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود و تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود.

۳- ابعاد انتظار

آن کس که در انتظار است، آماده می‌شود تا نقطه ضعف‌های خودش را پرکند و مانع‌ها را بشناسد و نقطه‌ی ضعف‌هایش را بباید و در نقطه ضعف‌های دشمن خانه بگیرد و از آن سنگر بسازد. حال این پرسش مطرح است که آمادگی و زمینه سازی در کجا؟ و به چه صورتی؟ برای توضیح این مطلب باید گفت آمادگی و تهیّا، قلمرو و ابعادی دارد که انسان منتظر باید در همه‌ی آن ابعاد، آماده و سرپا باشد:

الف - آمادگی فکری

ب - آمادگی روحی

ج - طرح و برنامه ریزی

د - آمادگی در عمل

الف - آمادگی فکری

سقف‌های سنگین و رسالت‌های بزرگ، پایه‌های محکم می‌خواهند، پایه‌هایی که در شعور و احساس قرار گرفته باشند. به همین خاطر رسول مکرم ﷺ می‌فرماید: لکل شی دعامة و دعامة هذا الدين الفقه و الفقيه الواحد اشدُ على

الشیطان من الف عابد.^{۲۳}

برای هر چیز، اساس و پایه‌ای وجود دارد. اساس و پایه‌ی این دین [اسلام]، فهم عمیق است و یک فقیه در برابر شیطان، از هزار مسلمان عبادت‌گزار [بدون شناخت] محکم‌تر و مؤثرتر است.

بنابراین، در دوره انتظار، باید بنیان‌های فکری عمیقی پیدا کنیم تا در مقابل افکار و مکاتب مختلف از پانیافتیم. اما چگونه؟ بعضی‌ها خیال می‌کنند که برای انتخاب صحیح باید تمام مکاتب را شناخت و آن‌گاه انتخاب کرد، ولی این بررسی برای انتخاب کافی نیست؛ زیرا این درست است که گفته‌اند باید گفته‌ها را گوش داد و بهترین را انتخاب کرد^{۲۴} ولی ما می‌دانیم بهترین کدام است. بهتر را باید با اصلی سنجید، این اصل کدام است. علی علیّاً می‌گوید: کفى بالمرء جهلاً لایعرف قدره.^{۲۵} برای جهالت تو همین بس که با تمامی اطلاعات و مطالعات عظیم، اصل و معیار را نداشته باشی و اندازه‌ی خودت را نشناسی. آن‌چه یک منظر باید در زمینه‌ی فکری به آن مسلح شده باشد، همین درک از خویش و شناخت قدر خویش است که معیار انتخاب مکتب‌ها خواهد بود و انسان را در برابر مکتب‌های گوناگون راهنمایی می‌کند. و انتخاب بهترین را ممکن می‌سازد. چون بهترین‌ها در رابطه با شعاری که ارایه می‌دهند، همراه مقایسه‌ای که در میان این شعار و قدر وجود من برقرار می‌شود، انتخاب می‌گردد. با توجه به همین معیار است که می‌توانی کارگروه‌ها و مکتب‌های گوناگون را نقد بزنی. لازم نیست همه‌ی مکاتب را مطالعه کرد، بلکه همین قدر از مکاتب را باید دانست که این‌ها انسان را در نهایت به کجا خواهند برد. مثلاً وقتی شما می‌خواهید یک جفت کفش بخرید، تمام کفش‌های یک فروشگاه را آزمایش نمی‌کنید. اندازه و شماره‌ی پا، شما را در انتخاب بهترین کمک می‌کند. در رابطه با مکتب‌ها و گزینش آن‌ها نیز این چنین است. وقتی من اندازه‌ی واقعی انسانی خودم را کشف کردم و شناختم، حالا در پی این هستم که مکاتب مختلف، چه لباسی را برای این انسان می‌سازند. آن وقت می‌بینیم که همه‌ی مکاتب، لباس‌هایی را برای این انسان می‌سازند، حتی انگشت پای این انسان بزرگ را نمی‌تواند بپوشاند، جز مکتب تشیع که آرمان‌ها و اهدافش با اندازه‌ی وجودی و ارزش واقعی انسان،

هماهنگ است. این راه را گشای بن بسته‌های حیرت‌زا است. این شروع در ما جریانی ایجاد می‌کند که می‌توانیم از مطالعات و تفکرات دیگران هم بهره برداریم و این جزیان فکری است که می‌تواند در برابر فکرهای گوناگون مقاوم باشد.

ب - آمادگی روحی

منتظر باید در زمینه‌ی روحی نیز آمادگی بالایی داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت‌ها از کوره در نرود و بتواند بار سنگین رسالت و آگاهی‌های عظیم را به دوش بگیرد. در واقع، ظرفیت وجودی مرا در کنار گرفتاری‌ها مقاوم می‌سازد و همین است که می‌بینیم وقتی متنظر دعا می‌کند، معرفت و شناخت را می‌خواهد:

اللهم عرفني نفسك.....

خدایا! خودت را به من بشناسان.

و ثبات قدم را می‌خواهد: ثبتی علی دینک. کم توقعی و صبر را می‌خواهد: صبوری علی ذلک.^{۲۶} متنظر باید از آن چنان روحیه‌ای برخودار شود که همراه رنج‌ها و سختی‌ها، راحتی‌ها را داشته باشد؛ زیرا که در زمان غیبت، مردم مورد سخت‌ترین امتحانات قرار می‌گیرند و زیر و رو می‌شوند. چنان‌چه امام باقر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران که پرسید: فرج شما چه وقت است؟ فرمودند:

هیهات، هیهات لا تكون فرجنا حتى تغربلوا ثم تغربلوا - يقولها ثلاثة -

حتى يذهب الكدر و يبقى الصبور.^{۲۷}

هیهات فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این‌که دورت‌ها برود و صافی و صفا بماند.

ایجاد روحیه، امر مهمی است که در دوره‌ی انتظار باید حاصل شود، ولی مهم‌تر از آن، راه‌های ایجاد این روحیه است که چگونه؟ و با چه روشی؟ این روحیه در متنظر ایجاد شود. اینک به مواردی اشاره می‌کنیم.

۱. درک قدر

آدمی که اندازه‌ی خودش را شناخته، دیگر به خاطر کمترها توفان نمی‌گیرد و از جا نمی‌کند. ظرفیت و وسعت روحی ما در رابطه با آن‌چه که بر ما اثر می‌گذارد،

مشخص می شود، زیرا علی علیه السلام می گوید:

قدر الرجل على قدر همته.^{۲۸}

اندازه‌ی آدم به اندازه‌ی همان چیزی است که برای او اهمیت دارد.

پس باید به این مرحله برسیم که ارزش وجودی خودمان از چیزهایی که برای ما اهمیت دارند، بالاتر است. پس همت‌هایمان بالاتر می‌رود تا آن‌جا که حرکت می‌کنیم و در این حرکت با مسایلی رو به رو که برایش از قبل، آماده شده بودیم.

این نکته‌ی رمزگر بدانی، دانی هرچیز که در جستن آنی، آنی

تا در هوس لقمه‌ی نانی، کانی تا در طلب گوهر کانی، کانی

۲. رفعت ذکر

رفعت ذکر هم می‌تواند عامل وسعت صدر باشد و قرآن چه زیبا به این موضوع اشاره دارد: الْمُنْشَرِحُ لَكَ صَدْرُكَ وَ وَضْعُنَا عَنْكَ وَزْرُكَ وَ رَفَعْنَا لَكَ ذَكْرَكَ.^{۲۹} آن‌جا که ذکر و یاد تو را، نه اسم و نام تو را (توجه شود، نفرموده: و رفعنا لک اسمک) بالا برديم، در تو وسعتی آورديم و بارهای سنگين و کمرشکن را از تو برداشتيم، تا آن‌جا که تو همراه هر رنج، دوراحتی می‌دیدی: فَإِنْ مَعَ الْعُسْرِ يَسِّرَ أَنْ مَعَ الْعُسْرِ يَسِّرَأً.^{۳۰} تکرار نکره باعث تعدد است و یُسر بدون الف ولا م و نکره آمده است. پس همراه هر رنج، این دو راحتی هست که تو ورزیده شده‌ای و با رفعت یا دو ذکر به وسعت سینه، راه یافته‌ای.

۳. شهادت و دیدن تمام راه

کسی که تمامی راه را دیده و مانع‌ها را شناخته است، این وجود شهید واقف منظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری‌ها نمی‌لرزد؛ زیرا از پیش آماده شده و به انتظار نشسته است. آن‌هایی می‌لرزند که با رؤیاها و توقع‌های بی‌حساب، راه افتاده‌اند و خیال می‌کنند تا به راه افتادی، تمام دشمن‌ها برایت نقل و نبات می‌آورند.

۴. اطاعت و تقویا

کسی که حدود را می‌شناسد و تکلیفش را می‌داند و می‌خواهد به این تکلیف عمل کند، این وجود دیگر فشاری ندارد، بلکه در جایگاه امن نشسته است: ان المتقین فی مقام امین.^{۳۱} وجودی که تکلیفش را شناخته و وحی را می‌فهمد، دیگر از

آن‌چه پیش می‌آید، و حشت ندارد و حتی با آن‌چه می‌شود، کاری ندارد. آن رسول عزیز ﷺ می‌فرمود: ما کنت بدعأ من الرسل؛ من از میان رسولان بدعتی نیستم و تازه‌ای نیاورده‌ام. و ما ادری مایفعل بی ولا بکم؛ و حتی نمی‌دانم که برای من و شما، چه پیش می‌آید: ان اتبع الا ما يوحى الىي.^{۳۲} من فقط برروی مرزو به دنبال وحی حرکت می‌کنم؛ زیرا همین اطاعت و تقوا و عمل به وظیفه است که امن می‌آورد و از بن بست بیرون می‌کشد: و من یتق الله يجعل له مخرجاً.^{۳۳}

۵. ارتباط و پیوند با خدا: رزق انسان در خواندن کتاب‌ها و مطالعات، منحصر نیست. دقت و مطالعه در آفاق و طبیعت و در انفس وجود انسان هم می‌تواند آیه‌ها و نشانه‌هایی را به دنبال بیاورد و مایه‌های فکری و روحی انسان را تقویت کند. از این گذشته، آن‌ها که روز را با خلق خدا به سر می‌برند، باید در شب به یاد خدا باشند و از قرب او رزق بگیرند، تا بتوانند باز برخوردهای سنگین و درگیری‌های مستمر روزشان را به دوش بگیرند. به همین دلیل، رسول باید پیش از قیامش در شب، قیام کند و قرآن را آرام آرام بخواند و با ترتیل در وجودش بنشاند؛ چون می‌خواهد قول ثقیل و رسالت سنگینی را بر دوش بگیرد.^{۳۴} این پیوند شب و ارتباط با خدا، با دعا، قرائت یا قیام، تأمین کننده‌ی رزق روزانه‌ی مؤمن منتظر است که سوخت و ساز و درگیری و برخوردهای شکننده دارد.

ج - طرح و برنامه‌ی ریزی

منتظر باید طرح و نقشه داشته باشد و با توجه به طرح و نقشه‌ی سازندگی، خود دنبال مصالح و لوازمی باشد که قبل از طرح و برنامه‌ی آن را کشیده است. نکاتی که در طرح و برنامه ریزی باید مد نظر داشت، عبارتند از:

۱. هدف‌مندی

طرح بر اساس هدف و هدف بر اساس درک از قدر و ارزش، شکل می‌گیرد. با در دست داشتن هدف، کلید طرح به دست می‌آید.

۲. ارزش‌مندی هدف

آن‌سالی که خودش را میوه‌ی هستی می‌بیند و آدمی که در او همت‌های بلند شکل

می‌گیرد و مسؤولیت‌های بزرگ پذیرفته می‌شود، نمی‌تواند فقر و جهل و فسق و شرک و کفر را تحمل کند. او در خود و در اجتماع، در پی این ارزش‌های بالاتر می‌گردد و برای این ارزش‌های مقدس مجبور است که طرحی بریزد.

۳. تجزیه‌ی هدف

بهترین کار برای رسیدن به هدف و برداشتن موائع، تجزیه و تقسیم کردن آن‌هاست؛ یعنی باید نیازها، مسایل، مراحل و موائع را شناسایی کرد. هم‌چنین باید به جای نشستن و حسرت خوردن، حرکت کرد تا راه رسیدن به هریک از مقدمات و مراحل را بشناسیم و برای درگیری با مانع‌ها آماده شویم. هنگامی که هدف‌های بزرگ تجزیه می‌شوند، راحت و آسان خواهند شد و هدف‌های کوچک هنگامی که خرد نشوند، ناممکن و محال جلوه می‌کنند.

۴. ابتناء بر فقه و آگاهی

اکنون این طرح و تقدیر، انسان منتظر را از پراکنده کاری و دوباره کاری و خرابکاری، نگهداری خواهد کرد؛ چون کارهای پراکنده در طرح، جان گرفته و به سوی هدف هماهنگ گردیده و از فقه و آگاهی، برکت گرفته است. این قرآن است که به خوبی به عواملی اشاره می‌کند که با همراهی آن‌ها، انسان منتظر در برابر دشمن - هرچند ده برابر باشد - نه تنها مقاوم، که غالب و مسلط می‌گردد. قرآن به ما می‌آموزد که همراه عناصری بر دشمن غلبه خواهید یافت. آنگاه توضیح می‌دهم چرا؟ بآنهم و قوم لا یفقهون؛^{۳۵} چون آن‌ها از فقه و بینشی برخوردار نیستند. پس عنصر فقه به همراه عناصر صبر، تجمع و ایمان می‌تواند مؤمن منتظر را در برابر دشمن که ده برابر اوست، به پیروزی رساند.

د- آمادگی در عمل

در مرحله‌ی عمل، به دو عامل دیگر نیاز است. دو عملی که در روش تربیتی انبیا در قرآن از آن سخن به میان رفته است: لقد ارسلنا رسلنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان.^{۳۶} همه‌ی انبیا علاوه بر بینات، همراه با کتاب و میزان بوده‌اند. در بینش دینی، افراد نه با عمل که با بینش‌شان از یک عمل، به ارزش می‌رسند. در بینش اسلامی، همه عهده‌دار و همه مسؤول هستند: کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیه.^{۳۷} برای انجام

چنین مهمی است که به دو عامل دیگر نیاز هست؛ کتاب و میزان. یعنی با کتاب، به ضابطه‌ها برسد و دستورها را بشناسد و هنگام تراحم دو دستور، با میزان‌ها و معیارها، از بن بست بیرون بیاید.

۱. کتاب

منظور از کتاب، همین قرآن، تورات و انجیل نیست و این پیداست که همهی انبیا، صاحب کتاب‌هایی مثل تورات و انجیل و زیور و قرآن نبوده‌اند. این کتاب همان ضابطه‌ها و دستورهایی است که مکتوب است و فرض است مثل: کتب علیکم الصیام.^{۳۸} و کتب علیکم القتال.^{۳۹} منتظر مؤمن که خودش را در دنیای رابطه‌ها می‌بیند و در میان نظام، علیتی و علمی می‌شناسد، دیگر نمی‌تواند این‌گونه اقدام کند، بلکه برای هر رابطه، به ضابطه و دستور نیاز دارد؛ چون شما نه تنها از عبادالله و بلادالله، که حتی از بیابان‌ها و چهارپایان هم بازخواست می‌شوید و مسؤول هستید.^{۴۰}

۲. میزان

به اندازه‌ی تمامی پدیده‌ها، تکلیف و حکم هست. این تکالیف خود با هم تعارضی ندارند، ولی مسأله آن‌جا سبز می‌شود که این‌ها در یک زمان به سراغ تو بیایند. اگر در یک زمان محدود با تمامی این دستورها، رو به رو شوی، چه کار می‌کنی؟ آیا همین‌گونه به یک کار مشغول می‌شوی و بقیه را می‌گذاری یا این‌که غصه و جوش کارهای مانده را بر دلت بار می‌کنی یا این‌که در هنگام تراحم، دنبال معیار می‌گردی و میزان می‌خواهی؟ این میزان‌ها عبارتند از:

۱ - توجه به عامل، جهت و اثر عمل

برای فهم حکم و روح حکم، این توجه لازم است. به همین خاطر، مؤمن منتظر در حکمی که می‌شنود و عملی که می‌خواهد بیاورد، باید به این میزان‌ها توجه کند که چه عاملی او را وادار می‌کند و چه جهتی او را می‌خواند و این عمل سازنده‌تر است یا عمل دیگر.

۲ - اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس

هنگامی که به دو کار برخورد می‌کنی، نگاه کن که خدا کدام یک را بهتر می‌پسندد و کدام یک اهمیت بیشتری دارد. اگر در نظر خدا برابر بودند، ببین کدام بر تو

سخت‌تر است. آن‌چه سخت‌تر است، سازنده‌تر خواهد بود؛ زیرا: افضل الاعمال احمزها.^{۴۱} و آن‌جا که در صعوبت و سختی با هم مساوی هستند، معیار مخالفت با هوس در میان است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه آن‌جا که خصلت‌های برادرش را می‌شمارد، می‌گوید: و کان اذا بدھه امران ينظر أئيھما اقرب الى الھوى فيخالفه.^{۴۲} آن‌جا که دو کار ناگهانی و بالبداهة با او رویه رو می‌شدند و او را مبهوت می‌کردند، او مسلط بود. نگاه می‌کرد که کدام به هوا نزدیک‌تر است، پس با آن مخالفت می‌کرد و آن را کنار می‌زد و این میزان هم حساب شده است؛ چون کاری که بر تو فشار بیش‌تری می‌آورد، به تو قدرت بیش‌تری خواهد داد و تو را به معراج بالاتری خواهد رساند.

۳ - ۲ - اصول عملیه (برائت، استصحاب، احتیاط، تغییر)

مؤمن هیچ‌گاه بن‌بستی ندارد؛ چون اگر در مقام عمل دچار شک شود، مسئله‌ای نیست که اصول عملیه در این‌گونه موارد راه‌گشاست و این از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که در نظام اصول اسلامی به ما ارزانی شده و از آن غافلیم چون جایگاه آن را نمی‌دانیم و فقط در احکام از آن استفاده می‌کنیم. از کتاب و میزان که بگذریم در مرحله‌ی عمل باید به آفات عمل نیز توجه شود؛ چون مؤمن منتظر، ممکن است در مرحله‌ی عمل با آفت‌هایی مواجه شود و تمام آن‌چه را که به دست آورده هم چون شیطان یک‌جا از دست بددهد. منتظر در مرحله‌ی آمادگی عملی برای این‌که از آفات عمل مصون بماند، باید به نکات زیر نیز توجه داشته باشد:

۱. مبنای عملش جوّ و روح جمعی و چشم و هم چشمی نباشد، بلکه شهادت و دیدار آتش و بهشت که باشد. مؤمن شغل من الجنة والنار امامه.^{۴۳} می‌بیند هر کلمه‌ی او و هر حرکت او یا به آتش و یا به بهشت راه دارد؛ با این شناخت مشغول می‌شود و از آفت توقع مزد و سپاس از دیگران رها می‌شود و تا حد ایثار حرکت می‌کند و تازه خود را بدھکار هم می‌داند.

۲. منتظر باید عمل را جدا از حجم و مقدارش با توانایی خود بسنجد، نه با دارایی‌ها؛ زیرا: لیس للانسان الا ما سعى.^{۴۴} با شناخت خصلت‌های عمل یعنی سعی از زیاد شمردن کارهای خوب و کم دیدن کارهای شر رهایی می‌یابیم؛ زیرا خیری که زیادش می‌بینی، عقیم می‌ماند و شرّی که اندکش می‌شماری، می‌زاید. باید به عکس

رفتار کرد تا خیرها زیاد شوند و شرها عقیم بمانند.^{۴۵}

۳. منظر باید عملش در زمان و مکان مناسب انجام گیرد، چون درست است که توّابین خون‌های خود را در راه امام حسین علیه السلام دادند اما اگر این خون‌ها در روز تاسوعاً به حسین می‌رسید شاید عاشورایی پیش نمی‌آمد؛ زیرا: سارعوا الى مغفرة من ربکم.^{۴۶}

۴. منظر باید از افراط و تفريط بر حذر ماند و از سنت جدا نشود؛ زیرا: لا نية الا باصابة السنة.^{۴۷}

۵. منظر باید جهت و هدف عملش را مشخص کند؛ زیرا: من ابدی صفحته للحق هلک.^{۴۸} کسی که رودرروی حق حرکت کند، هلاک می‌شود.

۶. و در نهایت منظر باید به ظاهر عمل مغرور نشود که ارزش عمل متناسب با نیت‌هاست؛ زیرا: حاسبوها قبل آن تحاسبوا^{۴۹} گفته‌اند، نه حاسبو اعمالکم؛ یعنی نیت‌های خود را محاسبه کنید.



- ۱- قال رسول الله علیه السلام «انا و علی ابوا هذه الامة». عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹.
- ۲- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۶۶.
- ۳- «أفضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظار الفرج من أعظم العمل». کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵ ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
- ۴- «انتظار الفرج عبادة»، «سُئل عن على علیه السلام رجل أى الاعمال احب الى الله عزوجل، قال على علیه السلام: انتظار الفرج». همان.
- ۵- حلاج، علی میرفطروس.
- ۶- انتظار مذهب اعتراض، دکتر علی شریعتی.
- ۷- نهج الفصاحة.
- ۸- «ارضیتم بالحیة الدنيا». توبه، ۳۸.
- ۹- چنان‌چه در نماز هم به همین جهت آموزش داده می‌شود و در سجده می‌خوانیم: «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ»؛ (پاک است خدای من که برتر است).
- ۱۰- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۸؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷.
- ۱۱- الغيبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.
- ۱۲- مرحوم طالقانی در مجله‌ی «مجموعه‌ی حکمت»، شماره‌ی ۱ و ۲، سال سوم، در این باره می‌گوید: «این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد و الا برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم باید به احترام، قیام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن، برای پشتیبانی این حقیقت است....».
- ۱۳- الغيبة، نعمانی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.
- ۱۴- این‌که در روایات، انتظار به عنوان عمل مطرح شده و در روایتی داریم: «نیة المؤمن خير من عمله»؛ نیت در مقابل عمل قرار گرفت روشن می‌شود. در اینجا انتظار نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی، هرگز مراد نیست.
- ۱۵- «...کمن قارع مع رسول الله بسیفه». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
- ۱۶- «ان القائم منا هو المهدى الذى يحب ان ينظر فى غيبته و يطاع فى ظهره». منتخب الاثر، ص ۲۲۳.
- ۱۷- «عن الى عبدالله عليه السلام انه قال: الا اخبركم بما يقبل الله عزوجل من العباد عملاً الا به؟ فقلت: بلى، فقال... و انتظار القائم عليه السلام». (امام صادق علیه السلام) به راوی فرمود: آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: بله، امام فرمود: عبارتند از... و انتظار مهدی قائم آل محمد(عج)» الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰.
- ۱۸- به دلیل مفصل شدن مقاله از نقل نظریات دانشمندان مسلمان در اهمیت و ضرورت این دوران می‌گذریم؛ زیرا ما را از هدف اصلی دور می‌کند. به علاوه شنیدن حقایق از زبان دیگران، اثر گذارتر و در مجموعه روشن‌گر بسیاری از واقعیت‌های پنهان می‌شود که ما به خاطر تکرار و زیاد شنیدن از کنار شان به سادگی گذشته‌ایم.
- ۱۹- رسالت تشیع در دنیای امروز، سید محمد حسین طباطبائی، مقدمه: هانری کربن، صص ۲۵ - ۲۵.
- ۲۰- مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری، دارمستر، ترجمه محسن جهان‌سوز، صص ۳۸، ۳۹، ۷۹. «ماربین»؛ محقق آلمانی می‌گوید از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است..... (سیاست اسلام، ماربین، فصل هفتم، فلسفه مذهب شیعه صص ۴۹ - ۵۰. «ای. ب. پتروشفسکی»؛ تاریخ‌دان و ایران‌شناس علوم شوروی سابق، در این زمینه می‌نویسد: «چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی؛ این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر گشت». (نهضت سربداران خراسان، ای. ب. پتروشفسکی، ترجمه: کریم کشاورز. علاقه‌مندان به کتاب‌های «در

- انتظار ققنوس»، ص ۳۰۴ و «ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام»، ص ۲۳۹ مراجعه کنند.
- ۲۱ - به نقل از: مجله‌ی بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳ (مجله‌ی موعود، ش ۲۵ و ۲۶).
- ۲۲ - رک: در انتظار ققنوس، ص ۳۱۱.
- ۲۳ - نهج الفصاحة، ح ۹۰.
- ۲۴ - «فبشر عبادی‌الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه». (زمر، ۱۸).
- ۲۵ - نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
- ۲۶ - مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان (عج).
- ۲۷ - اثابة الهداء، ج ۷، ص ۲۴.
- ۲۸ - نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۷.
- ۲۹ - اشرح، ۱.
- ۳۰ - اشرح، ۵ و ۶.
- ۳۱ - دخان، ۵۵.
- ۳۲ - احقاف، ۹ و ۱۰.
- ۳۳ - طلاق، ۲.
- ۳۴ - «یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلاً نصفه او انقص منی قلیلاً او زد علیه و رتل القرآن ترتیلاً». مزمل، ۱-۵.
- ۳۵ - انفال، ۶۵.
- ۳۶ - ارشاد القلوب، ص ۱۸۴؛ تنبیه الخاطر، ج ۱، ص ۶.
- ۳۷ - حدید، ۲۵.
- ۳۸ - بقره، ۱۸۳.
- ۳۹ - نساء، ۷۷.
- ۴۰ - «اتقوا الله في عباده و بلاده فانكم مسؤولون حتى عن البقاء والبهائم». نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.
- ۴۱ - بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱؛ مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۶.
- ۴۲ - نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۸۹.
- ۴۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۶، سطر ۷.
- ۴۴ - نجم، ۳۲.
- ۴۵ - «و استقلال الخير و ان کثر من قولی و فعلی و استکثار الشر و ان قل من قولی و فعلی». مفاتیح الجنان، دعای مکارم الاخلاق.
- ۴۶ - آل عمران، ۱۳۳.
- ۴۷ - تحف العقول، ص ۴۳.
- ۴۸ - نهج البلاغه، خطبه ۱۶، سطر ۶.
- ۴۹ - نهج البلاغه، خطبه ۹۰، سطر ۸.